





# قرآن

نماد حیات معقول

محمدتقی جعفری

جعفری تبریزی، محمد تقی، ۱۳۰۲ - ۱۳۷۷.  
قرآن، نماد حیات معقول / محمد تقی جعفری - تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه  
جعفری. به اهتمام: گروه تحقیق و پژوهش مؤسسه علامه جعفری. - تهران: مؤسسه  
تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۲.  
۴۰۸ ص؛ ۱۴/۵ x ۲۱/۵ س م.  
ISBN: 978 - 964 - 6608 - 27 - 6 : ۱۰۰۰۰۰ ریال  
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.  
The holy koran : The symbol of Intelligible life. ص.ع. به انگلیسی  
کتابنامه به صورت زیر نویس.  
۱- قرآن - تحقیق. ۲- قرآن - سوره ها و آیه ها. ۳- خداشناسی. الف. جعفری، علی. ب.  
فیضی، کریم، ۱۳۵۸ - ج. مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری. د. عنوان.  
۴ ق ۷ ج / ۴ / ۶۵ BP ۲۹۷ / ۱۵  
۱۳۸۲  
م ۸۲ - ۱۷۲۵۱ کتابخانه ملی ایران



مؤسسه علامه جعفری

### قرآن، نماد حیات معقول

نویسنده: محمد تقی جعفری

ناشر: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری

به اهتمام: کریم فیضی - علی جعفری

تنظیمات: واحد رایانه مؤسسه

لیتوگرافی و چاپ: صحیفه (و - ۱ - خ)

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ هفتم: زمستان ۱۳۹۰

حق چاپ و نشر برای این مؤسسه محفوظ است.

تلفن: ۰۲۱ - ۴۴۰ ۹۱۰ ۴۲ / ۰۲۱ - ۴۴۰ ۷۰۲ ۰۰

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۶۶۰۸ - ۲۷ - ۶ / ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۶۶۰۸ - ۲۷ - ۶ / ISBN: 978 - 964 - 6608 - 27 - 6

WWW.ostad-jafari.com / ostad.jafari@gmail.com

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

## فهرست

۱۱	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
۱۳	قرآن تجلی‌گاه خداوندی
۱۷	چند بحث مقدماتی
۱۷	الف - کتب بشری و قرآن
۱۹	ب - قرآن و اسلام
۱۹	ج - اسلام در قرآن
۲۰	د - ادیان سه‌گانه در قرآن
۲۱	تأملی در نظریه هانس کونگ درباره وحی
۲۳	ه - تکمیل استدلال
۲۵	بحث اول: قرآن چگونه کتابی است؟!
۲۵	امتیازات قرآن در کلام علی <small>علیه السلام</small>
۲۹	قرآن، کتاب وحدت
۳۲	کتاب فوق علمی
۳۵	عظمت‌های قرآن
۳۷	کتاب حیات بخش
۳۸	سخنی دیگر در اعجاز قرآن
۳۸	بحثی در محتویات قرآن
۳۸	۱- حلال و حرام
۳۹	۲- فرایض و فضایل

۳۹	۳- ناسخ و منسوخ .....
۴۱	۴- رخصت‌ها و واجبات اصلی .....
۴۲	۵- خاص و عام .....
۴۲	۶- مطالب عبرت‌انگیز و مثل‌ها .....
۴۳	۷- مرسل و محدود .....
۴۳	۸- محکم و مشابه .....
۴۴	اقسام دیگر در محتویات قرآن .....
۴۵	قرآن از منظر دقت .....
۴۵	۱- احساب اشراف و سلطه .....
۴۸	۲- عدم تناقض در آیات قرآنی .....
۴۹	۳- نفوذ شگفت‌انگیز در همه سطوح روانی آدمی .....
۵۰	۴- عمق معانی قرآن .....
۵۳	۵- استمرار جاودانی محتویات قرآن .....
۵۳	جریان قرآن در فضای تاریخ .....
۵۵	بحثی برای نمونه: قرآن و مسأله راه .....
۶۷	<b>بحث دوم: قرآن و مقوله شناخت</b> .....
۶۷	محکومیت شناخت تقلیدی در قرآن .....
۶۸	نتایج آیات .....
۶۹	قرآن و مسأله تقلید .....
۷۲	گواه تاریخ .....
۷۴	نمونه‌ای از شکوفایی حیرت‌انگیز علم و فرهنگ هدف‌دار در اسلام .....
۷۶	شناخت و حیات معقول در قرآن .....
۷۷	حواس طبیعی و ضرورت به‌کار انداختن آن‌ها .....
۷۹	نتایج آیات .....
۸۰	تدبیر و تدبّر در قرآن .....
۸۱	نتایج آیات .....
۸۲	شناخت تذکری .....
۸۴	عقلانیت در قرآن .....

۸۷	نتایج آیات
۸۸	قلب در قرآن
۹۲	نتایج آیات
۹۳	شرح صدر در قرآن
۹۴	فؤاد در قرآن
۹۵	هدایت تکوینی و هدایت تشریحی در قرآن
۱۰۱	نتایج آیات
۱۱۹	داستان‌های قرآن
۱۲۱	نتایج آیات
<b>۱۲۵</b>	<b>بحث سوم: جهان، زندگی، تاریخ و قرآن</b>
۱۲۵	چهره ریاضی جهان، از دلایل اعجاز قرآن
۱۲۶	نتایج آیات
۱۲۸	قرآن، کتاب زندگی
۱۳۰	تفسیری مختصر درباره خلقت بر «حق»
۱۳۳	بررسی در آیات بودن موجودات هستی
۱۴۲	روش بررسی و مطالعه در قرآن
۱۴۳	عامل محرک تاریخ در قرآن
۱۴۵	قرآن و بهار درونی انسان
<b>۱۴۷</b>	<b>بحث چهارم: ویژگی‌هایی از قرآن</b>
۱۴۷	قرآن، قانون برتر
۱۴۹	علی <small>علیه السلام</small> در قرآن
۱۵۱	علی <small>علیه السلام</small> و قرآن
۱۵۲	قرآن، کلام خدا
۱۵۲	تشویق عقل و حکمت در قرآن
۱۵۲	تعداد آیات مربوط به لزوم فعالیت‌های عقلی و حکمی
۱۵۳	انسان و جهان؛ آیات قرآن چه می‌گویند؟!
۱۶۰	زبان همیشه گویا
۱۶۱	در آن هنگام که بشر با قرآن ببیند و با قرآن سخن بگوید

- آیات قرآنی یکدیگر را تفسیر می‌کنند..... ۱۶۲
- متشابهات و طرح یک انتقاد..... ۱۶۵
- مسأله غیب در قرآن..... ۱۶۶
- آیات مربوط به غیب و علم به آن..... ۱۶۶
- نمونه‌هایی از طرق غیر معمولی برای وصول به واقعیات پشت پرده..... ۱۷۱
- قرآن و تقدّم معرفت بر عمل..... ۱۷۵
- اقسام زندگی در دنیا..... ۱۷۶
- نکاتی از آیه نور..... ۱۷۷
- قرآن و مسأله زیبایی..... ۱۷۹
- صفت جمال خداوندی چگونه باید تفسیر شود؟!..... ۱۸۲
- چگونگی دریافت جمال خداوندی..... ۱۸۷
- شکوه و جمال هستی..... ۱۹۳
- استناد زیبایی‌ها به خدا..... ۲۰۰
- گونه‌های زیبایی از دیدگاه قرآن..... ۲۰۱
- یک- زیبایی آسمان با ستارگان..... ۲۰۱
- دو- زیبایی ترکیب انسان و صورت او..... ۲۰۲
- سه- زیبایی جانداران..... ۲۰۳
- چهار- زیبایی مناظر طبیعی در روی زمین..... ۲۰۳
- پنج- زیبایی آرمان‌های معقول..... ۲۰۵
- بسط مبحث سنّت در قرآن..... ۲۰۶
- بروز، اعتلاء و سقوط جوامع و تمدن‌ها و فرهنگ‌ها؛ قرآن چه می‌گوید؟..... ۲۰۹
- سقوط و اعتلاء جوامع و تمدن‌ها از دیدگاه نهج البلاغه..... ۲۱۴
- قرآن و مسأله معیشت برای تکوین تمدن اسلامی..... ۲۲۰
- تفکر و تعقل در قرآن..... ۲۲۲
- ترس از خدا در قرآن به چه معناست؟..... ۲۲۴
- عامل وحدت اختیاری و احساس اختیاری..... ۲۲۶
- تجربه گذشتگان در آئینه قرآن..... ۲۳۸
- قیامت در قرآن..... ۲۴۱



۲۴۲	نتیجه فراموش کردن روز قیامت؛ منتفی شدن نیک و بد!
۲۴۴	وضع کیهان در روز قیامت
۲۴۸	قیامت، روزی بسیار سخت
۲۵۰	قرآن و استدلال؛ تعریف و اقسام
۲۵۴	با قرآن آشنا شویم
۲۵۵	قرآن و آفرینش
۲۵۷	قرآن و اثرات عمل به آن
۲۵۹	کتاب عدالت و عدالت‌ورزی
۲۵۹	کتاب بی‌تناقض
۲۶۰	قرآن، تصدیق‌گر پیامبران
۲۶۱	قرآن چگونه سخن می‌گوید؟
۲۶۲	رویدادهای آینده در قرآن
۲۶۳	قرآن، داروی دردهای بشری
۲۶۴	قرآن، کتاب انسان
۲۶۵	حقیقت انسان در قرآن
۲۶۶	جریان طبیعی جسمانی انسان در قرآن
۲۶۸	«خود طبیعی» انسانی (نفس) در قرآن
۲۶۹	محاسبه‌گرایی قرآن
۲۷۱	اصلاح میان افراد اجتماع و جوامع بشری
۲۷۴	عدالت اجتماعی، انگیزه ارسال انبیاء از دیدگاه قرآن
۲۷۷	قرآن، ملاک عقاید و احکام
۲۷۷	عواقب فرار از دین سعادت‌بخش خداوندی
۲۸۱	<b>بحث پنجم: آیات مکی و آیات مدنی</b>
۲۸۱	چند تفاوت برای سوره‌های مکی و مدنی
۲۸۵	آیات مربوط به گنهکاران
۲۸۷	متشابه و متشابهات در قرآن
۲۸۹	«قرآن کتاب متّین است» یعنی چه؟!
۲۹۰	تقارن عترت و قرآن

قرآن و سنت .....	۲۹۱
<b>بحث ششم: بُعدی از اعجاز قرآن .....</b>	<b>۲۹۵</b>
راه درک اعجاز قرآن .....	۲۹۶
قرآن؛ جمله نهایی .....	۲۹۷
نمونه‌هایی از آیات برای درک اعجاز قرآن .....	۲۹۹
<b>بحث هفتم: انتخاب‌هایی از نور انوار .....</b>	<b>۳۰۹</b>
دویست و پنجاه آیه منتخب از قرآن، همراه با ترجمه و توضیح مختصر .....	۳۱۰



### پیشگفتار

در این که قرآن کتابی آسمانی است که برای پاسداشت مرزهای عقلانیت و انسانیت به قلب پیامبر نازل شده و سبب قوام عالمگیر دینی به نام اسلام در پهنه هستی گشته است، تردیدی وجود ندارد. هم‌چنین، به گواه آنچه بر خامه‌های تمدن‌نگاران اسلامی و غیر اسلامی جاری شده است، باید پذیرفت که قرآن، گرانسنگ‌ترین و مانا‌ترین مائده و حیانی است که از قلب ملکوت آسمان بر تکه‌ای از خاک و ریگزار داغ و تپنده شبه جزیره عربستان فرود آمده و عظیم‌ترین و عزیزترین دین را به ارمغان آورده است.

این از آن روست که نخستین و جدی‌ترین منبع و مخزن اسلام در قلمرو و اقتصاد، سیاست، فرهنگ، اندیشه، احکام، اجتماع و علوم مختلف، از فقه گرفته تا کلام و نجوم، قرآن است و آیه‌های روشنگر آن و اگر نیز به نص سخن پیامبر، پای اهل بیت در قلمروی از متن دین مشاهده می‌شود، باز به خاطر قرآن است، زیرا علی و اولاد علی، مفسرین واقعی قرآنند و قرآن باقی ماندن راستین، خود را، و ام‌دار شجره طیبه‌ای است که خود، آن‌ها را «**راسخون فی العلم**» خوانده است. بدین سان، اهل بیت منفک از قرآن نیستند و در حقیقت، هرچه هست قرآن است.

این نام نورانی، هرگاه که با اخلاص و جدیت مورد توجه قرار گیرد، گوشه‌هایی از رازهای الوهیت آمیز خویش را برملا نموده و دروازه‌های فراخ رشد و سازندگی را پیش روی بشر می‌نهد. این نه سخن اسلام‌باوران، که تجربه زوال‌ناپذیر بشر در تاریخی است که پشت سر نهاده‌ایم. هر انگاره و پدیده مثبتی که در گوشه‌ای از فانوس شکسته جام بشریت قرن بیست و یکم سوسو می‌زند، بی‌تردید ریشه به انوار و حقایق قرآن می‌رساند؛ یا مستقیم و یا غیر مستقیم. تمام این موضوعات دارای شواهد

و براهینی است که در خلال آیات الهی می درخشد.

کتابی که پیش روی دارید، اثر بدیعی است از قرآن پژوه رحیل علامه محمدتقی جعفری که اینک تقدیم علاقه‌مندان و قرآن دوستان فرزانه می‌گردد. در باب علامه جعفری، نخستین موضوعی که بایسته است مورد توجه جدی محققین قرار گیرد، این است که آشنایی آن عالم محقق با قرآن و زبان تفسیر کلام الله مجید، به پاس بهره‌گیری از خرمن اساتید و الامقام حوزه علمیة نجف و اساطین حکمت و عرفان ایران، و مطالعات دامنه‌دار در مسائل اصیل اسلامی و اجتماعی در اوج بود و به گواه آثار قلمی که از وی به یادگار مانده است، به مبادی و مجاری قرآن - به واقع - تسلط اساسی و بنیادین داشت. مشاهده مطالعه در مجلّدات گوناگون و مباحث مختلف تفسیر مثنوی و تفسیر نهج البلاغه، مشاهده و استناد و تمسک به صدها و هزارها آیه متعدد و متنوع قرآنی در ابواب گوناگون، نشان‌دهنده انصراف جدی و علاقه علمی و مکتبی استاد به قرآن به شمار می‌رود، و نشانی است ماندگار از کاوش پرنده فکر اسلام‌شناسی راستین که «قرآنی» بود و «قرآنی» می‌اندیشید.

راست است که علامه جعفری معلومات بشری را در برابر تابش انوار و حیانی قرآن، بسی کم نور می‌نگریست و هیچ‌گاه اصالت را به ثنوی‌های ضد قرآنی نمی‌داد؛ امری که در زبان و اعتقاد بسیار گفته می‌شود، ولی در عمل کمتر کسی را دیده‌ایم که اصالت را به مکتب خالص قرآن و ایده‌های منحصر به فرد قرآن بدهد. این کتاب که مجموعه‌ای از مباحث قرآنی پراکنده استاد را شامل می‌شود، به نوبه خود، نشانگر این واقعیت اصیل و با ارزش است که علامه جعفری قرآن را مائده پایان‌ناپذیری می‌دانست که برای تنظیم ساختارها و اصلاح زیرساخت‌ها، هیچ‌چیزی مثل آن دارای اهمیت و کارکرد نیست. در این کتاب، کوشش‌های فراوانی به عمل آمده است تا بخشی از تفکرات قرآن پژوهانه استاد از خلال نوشته‌های پراکنده، با تمرکز به ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، در اختیار دانش پژوهان ارجمند - علی‌الخصوص نسل جوان - قرار بگیرد.

بمنه و فضله و کرمه

مؤسسه تحقیقاتی و نشری علامه جعفری

## مقدمه

### قرآن تجلی‌گاه خداوندی

درست است که مردم با بعثت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خدا را با چشم سر ندیدند و این امری محال است، ولی کلمات خداوندی در قرآن مجید، تا آن جا که مردم بتوانند از استعداد خدایابی خود استفاده کنند، خدا را برای آنان قابل شهود ساخت؛ کلمات علیای خداوندی، علم، قدرت و دیگر صفات جمال و جلال کبریایی را قابل دریافت کرد. این کلمات، خبر از هستی و جریان آن را داد که هیچ مخبری جز خالق آن هستی، نمی‌تواند چنین خبری بدهد؛ واقعیات را آن‌چنان روشن ساخت که با هیچ وسیله و ابزاری نمی‌توان به آن‌ها رسید؛ انسان را با همه ابعاد و سطوح و استعدادها و سرمایه‌هایی که دارد و به کدامین فعلیت‌ها و کمالات می‌تواند برسد، چنان بیان فرمود که فروغ ربّانی حاصل از معرفت انسان - بدان‌گونه که خدا طرح فرموده است - برای هر انسان آگاهی قابل شهود می‌باشد.

از طرف دیگر، کلمات خداوندی در قرآن، در تفسیر سقوط و نابودی جوامع، چنان روشن و چنان ارائه‌دهنده است که هر شخص آگاه و خردمندی با مطالعه و تفکر در آن‌ها، نظم و قانونمندی هستی را مشاهده می‌کند و یقین پیدا می‌کند که: با گردنده گرداننده‌ای هست. حضرت علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ در نهج البلاغه می‌فرماید:

وَإِنَّهُ سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِي زَمَانٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ أَحَقُّ مِنْ الْحَقِّ، وَلَا أَظْهَرَ

مِنَ الْبَاطِلِ، وَلَا أَكْثَرَ مِنَ الْكَذِبِ عَلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ؛ وَلَيْسَ عِنْدَ أَهْلِ ذَلِكَ  
 الزَّمانِ سَلْعَةٌ أُبُورَ مِنَ الْكِتَابِ إِذَا تُلِّيَ حَقٌّ تَلَاوَتِهِ، وَلَا أَنْفَقَ مِنْهُ إِذَا حُرِّفَ عَنْ  
 مَوَاضِعِهِ؛ وَلَا فِي الْبِلَادِ شَيْءٌ أَنْكَرَ مِنَ الْمَعْرُوفِ، وَلَا أَعْرَفَ مِنَ الْمُنْكَرِ!<sup>۱</sup>  
 «و قطعی است که پس از من، روزگاری برای شما روی خواهد آورد که  
 چیزی پوشیده‌تر از حق و آشکارتر از باطل و فراوان‌تر از دروغ بستن به  
 خدا و رسولش نخواهد بود. و در نزد اهل آن زمان، کالایی کسادتر از قرآن  
 وجود نخواهد داشت. اگر حق خواندن آن ادا شود، متاعی با رونق‌تر از  
 کتاب الهی نخواهد بود. اگر از معانی و حقایق خود منحرف شود، و در آن  
 روزگار هیچ چیزی ناشناخته‌تر از معروف (زشت‌تر از نیکو) و شناخته‌تر از  
 زشتی‌ها (نیکوتر از زشتی)‌ها وجود نخواهد داشت.»

وقتی اعتقاد و عمل به قرآن از بین رفت، مجبورند برای حفظ مقام خود، خط و شکل  
 و حتی تجوید و قرائت آن را حفظ کنند! زیرا همان قرآن بوده است که آن جاه‌پرستان  
 خودکامه را از سقوط نجات داد و دنیا را متوجه آنان ساخت و به ثروت و جاه و مقامی  
 رسیدند که حتی تصورش نیز برای آنان محال بود. حال، اگر بخواهند حتی نام و نشان  
 و قرائت و مباحث لفظی محض آن را از دست بدهند، هیچ مبنایی برای سلطه‌گری و  
 عیش و خوشگذرانی خود نخواهند داشت. بحث از این‌که قرآن «حادث» است یا  
 «قدیم»، و تحقیق در این‌که قرآن بر مبنای ادبیات کدامین قبیله نازل شده است، برای  
 اثبات این‌که آنان اهل قرآن هستند و از قرآن حمایت می‌کنند، کافی است!

ما چو خود را در سخن آغشته‌ایم      از حکایت، ما حکایت گشته‌ایم<sup>۲</sup>

اما این‌که:

فَأَسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتُ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ<sup>۳</sup>

«همان‌گونه در دین خدا استقامت کن که مأمور شده‌ای و کسانی که با تو

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷.

۲- تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، ج ۶، ص ۶۳۸.

۳- سوره هود، آیه ۱۱۲.

به سوی خدا بازگشت کرده‌اند»؛

اتَّقُوا اللَّهَ<sup>۱</sup>

«به خدا تقوا بورزید»؛

اعْدِلُوا<sup>۲</sup>

«عدالت بورزید»؛

لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ<sup>۳</sup>

«عهد [زاممداری و امامت] من به ستمکاران نمی‌رسد»؛

وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ<sup>۴</sup>

«هیچ چیز مردم را از ارزش نیندازید.»

نه تنها کاری با آن‌ها ندارند، بلکه باید مطابق خواسته‌های آن خودکامگان، تفسیر و تأویل شوند؛ هر چند که محکم‌ترین آیات باشند نه متشابه. باز حضرت چنین فرموده است:

وَمِنْ قَبْلُ مَا مَثَلُوا بِالصَّالِحِينَ كُلِّ مَثَلَةٍ، وَسَمَّوْا صِدْقَهُمْ عَلَى اللَّهِ فِرْيَةً،

وَجَعَلُوا فِي الْحَسَنَةِ عُقُوبَةَ السَّيِّئَةِ<sup>۵</sup>

«و آنان پیش از آن زمان، عذاب‌هایی را بر مردم صالح وارد کردند و سخنان راست آنان را افتراء به خدا تلقی نمودند و آن نابکاران، کیفر گناه را به کار نیک و دارای ثواب قرار دادند.»

سلطه‌گری و استبداد تباه‌کننده آن نابخردان، با شکنجه و زجر انسان‌های پاک شروع می‌شود و به نابودی خود آنان پایان می‌یابد. مرحوم محقق هاشمی خویی از علامه حلی از صاحب کتاب الهاویه چنین نقل می‌کند:

۱-سوره آل عمران، آیه ۱۰۲.

۲-سوره مائده، آیه ۸؛ سوره انعام، آیه ۱۵۲.

۳-سوره بقره، آیه ۱۲۴.

۴-سوره اعراف، آیه ۸۵؛ سوره هود، آیه ۸۵؛ سوره شعراء، آیه ۱۸۳.

۵-نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷.

«معاویه از مهاجرین و انصار چهل هزار نفر را کشت، و آنچه که پسر ملعون او یزید در کربلا و قتل عام مدینه کرد، بی نیاز از بیان است، و آنچه که عبدالملک بن مروان و کارگزار او حجاج بن یوسف در عراق و حجاز و غیر آنها انجام داده‌اند، مشهور است.»<sup>۱</sup>

بدیهی است که آنان برای توجیه شکنجه‌ها و کشتاری که انجام می‌دادند، می‌بایست هر گونه خلاف واقع را مرتکب شوند و آیات و روایات را به سود خود تفسیر کنند. حتی اگر مقتضی باشد، روایاتی را جعل کنند و سخنان حق آن ستمدیدگان و آن مردان راه حق را به دروغ و افتراء متهم کنند. آن شاگردان مکتب **ماکیاولی** که از یک جهت اساتید این مرد و بنیان‌گذاران اصلی مکتب او بودند، می‌گفتند: «برای هر هدفی که می‌خواهی به دست بیاوری، هر حقیقتی را می‌توانی به عنوان وسیله، قربانی آن هدف کنی!!»

أف بر تو ای خودکامگی و سلطه‌گری که بعضی‌ها بی‌شرم‌ترین دروغ‌گویی را برای بقای چند روزه خود مرتکب می‌شوند و در شام شایع می‌کنند که **علی بن ابیطالب** نماز نمی‌خواند!!! وقتی آن حضرت در محراب عبادت شهیدشده و خبر آن در تمام جوامع اسلامی شایع می‌شود، مردم از یکدیگر می‌پرسند مگر علی بن ابیطالب نماز هم می‌خواند؟! امام **حسین بن علی** را با فجیع‌ترین وضعی که تاریخ به خود دیده است، می‌کشند و تکبیر هم می‌گویند!!

جاؤوا برأسک یا ابنِ بَنْتِ مُحَمَّدٍ      مُتَرَمَّلاً بِدِمَائِهِ تَرَمِلاً  
وَيُكْفَرُونَ بِأَنْ قُتِلَتْ وَإِنَّمَا      قَتَلُوا بِكَ التَّكْبِيرَ وَالتَّهْلِيلَ

«س—بربریده‌تورا      ای پسر—ردختر محمد ﷺ آوردند—و

در حالی که آغشته به خون خود بود.

آنان تکبیر می‌گفتند که تو را به قتل رساندند! در حالی که کشتند تکبیر و تهلیل را با

۱- منهاج البراعة، هاشمی خویی، ج ۹، صص ۷۰ و ۷۱؛ نقل از علامه حسن یوسف بن مطهر حلی، کتاب دعوة الحق.



کشتن تو،»

«خالد بن معدان»

## چند بحث مقدماتی

### الف - کتب بشری و قرآن

کتاب آسمانی بیان (قرآن)، به وجود آورنده دو کتاب آفاقی و انفسی است که اشتباه و خطا راهی به آن ندارد. این کتاب، انسان و جهان را «آن چنان که هستند» و انسان را «آن چنان که باید» و جهان را آن چنان که می توان از آن برخوردار شد، برای خاک نشینانی که مهمانان چند روزه دو قلمرو انسان و جهانند، تعلیم می دهد.

اگر ما به یک حقیقت بسیار مهم که در زیر متذکر می شویم، دقیقاً توجه کنیم، عظمت کتاب آسمانی و ضرورت خواندن و عمل به آن را می فهمیم. آن حقیقت، این است که کتاب آسمانی - مخصوصاً قرآن که قرون و اعصار متمادی بدون تحریف در دیدگاه بشر قرار گرفته و جامع همه کتب آسمانی گذشته، مانند **صحف ابراهیم، تورات موسی و انجیل عیسی** می باشد - همه صلاح و فساد بشر و استعدادهای او را و این که این موجود چه باید انجام بدهد و از چه چیزی باید اجتناب کند، بیان کرده است. از طرف دیگر، فردی مانند **امیر المؤمنین** که قرآن را خوانده و به تمام جزئیات و کلیات آن عمل نموده و به کمال و رشد انسانیّت رسیده است، و هم چنین در ردیف های بعدی: **سلمان و ابوذر** ها، **عمار و اویس قرنی** ها و **مالک اشتر** ها و دیگر سالکان راه حق و حقیقت - که **امیر المؤمنین** در نهج البلاغه، آنان را برادران خود معرفی فرموده است - همان انسان هایی هستند که اگر در هر دوره و در هر جامعه ای که متشکل از انسان هاست زندگی کنند، با عظمت ترین و کمال یافته ترین

انسان‌های آن دوره و آن جامعه خواهند بود. این پدیده قطعی، با کمال و وضوح اثبات می‌کند که آن حقایق را که قرآن به عنوان «انسان آن‌چنان‌که باید» گفته است، عالی‌ترین حقایقی است که نتیجه مذکور را در بر داشته است. نتیجه قطعی بعدی، این است که قرآن واقعیّت اصیل «انسان آن‌چنان‌که هست» و «جهان آن‌چنان‌که هست» را بدون کم‌ترین افراط و تفریط و اشتباه و خطا مطرح کرده است که «آن‌چنان‌که باید»ها، از آن دو «هست» و دو «باید» [مربوط به انسان و جهان]، نتیجه فوق را به وجود آورده است؛ در صورتی که کتاب‌هایی که با مغز و دست بشری نوشته شده است، نه تنها خود بشر - البته آگاهان این نوع - اعتراف به نقص معلومات خود درباره «آن‌چنان‌که هست» و «آن‌چنان‌که باید» می‌نمایند، بلکه به قول مولوی: زانوهای آن شتر، خود به نظافتش!! شهادت کاملاً واضح می‌دهد.

آن یکی اُشتر بیدید و گفت هی                      از کجا می‌آیی ای فرخنده پی<sup>۱</sup>  
گفت از حَمَامِ گرم کوی تو                      گفت این پیداست از زانوی تو

مستی‌ها و ناهشیاری‌هایی که با انواعی فراوان در جوامع بشری رواج داشته، و هم‌چنین خودخواهی‌های ویران‌گر و بنیان‌کن هر چه که «جز خود» است، نگرانی مطلق از فرداها، بی‌هدفی در زندگی، سودجویی در حدّ شرم‌آور، جنگ و خونریزی‌های بناحق، ادامه پدیده دروغ - مانند یک ضرورت برای ادامه اجتماعات - و امثال این نابسامانی‌ها که تاریخ بشر را از قابلیت ارزش ساقط کرده است - همه و همه - دلایل قطعی این مسأله است که: بشر با مغز خود نتوانسته است «انسان آن‌چنان‌که هست» را بشناسد و «باید»های لازم و «شاید»های مطلوب را برای وی مطرح کند و انسان کامل را تحویل جوامع بدهد.

۱- تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی، ج ۱۲، ص ۱۴۲.

### ب- قرآن و اسلام

قرآن که اساسی‌ترین منبع دین اسلام است، نشان‌دهنده همه تفصیلات و جزئیات احکام اسلامی به طور عموم، اخلاقیات، عقاید، اصول دادرسی، تکالیف فردی و اجتماعی در روایاتی است که از پیامبر اسلام و سپس ائمه معصومین علیهم‌السلام صادر شده است.

همان‌گونه که می‌دانیم، آنچه در قرآن مجید آمده، اصول و کلیاتی است مربوط به مبانی عقیدتی، فقهی، اخلاقی و قضایی اسلام، و مانند قانون اساسی این دین است که اصول کلی آن را بیان می‌کند. سه منبع دیگر وجود دارد که تفسیر و تطبیق‌کننده آن اصول کلی بر همه اعمال بشری در حیات معقول است. این سه منبع عبارتند از: سنت و اجماع و عقل.

### ج- اسلام در قرآن

در قرآن مجید، اسلام به دو معنی بیان شده است:

**معنای یکم - دین الهی عام**، که برای ارشاد انسان‌ها به همه پیامبران الهی وحی شده و همان است که پس از نوح علیه‌السلام به وسیله حضرت ابراهیم خلیل الرحمن به طور عموم به همه انسان‌ها ابلاغ شده است. این متن کلی، نه قابل نسخ بوده است و نه مخصوص به جامعه و دورانی خاص. لذا، در مواردی متعدد از قرآن، خداوند پیامبر اسلام **خاتم الانبیاء** صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را تابع همین دین معرفی فرموده است.

**معنای دوم - دین خاص اسلام**. همان متن دین ابراهیم علیه‌السلام است با مقداری احکام و تکالیف فطری که از دستبرد دگرگونی‌ها در امان مانده است؛ در صورتی که در دیگر ادیان - هم از نظر عقاید و هم از نظر احکام - تغییرات و دگرگونی‌هایی به وجود آمده است.

### د- ادیان سه گانه در قرآن

از هر سه کتاب ادیان سه گانه جهانی (قرآن و تورات و انجیل) می توان این اصل را اثبات کرد که حضرت **ابراهیم خلیل** علیه السلام ارائه دهنده متن کلی دین الهی است که همه ادیان سه گانه مزبور باید آن را بپذیرند.

بدان جهت که از دیدگاه مسلمین، قرآن کتاب آسمانی آنان، بدون کمترین دست خوردگی و تحریف، بازگوکننده آن دین کلی الهی است، محققان و دانشمندان هر سه دین جهانی، امروز می توانند مشترکات آن سه دین را که «متن دین ابراهیمی» است، استخراج و عمل کنند. هم چنین، آن عده از محققان و دانشمندان دو دین یهود و مسیحی که **محمد بن عبدالله** صلی الله علیه و آله را انسانی راستگو می دانند، مجبورند در این نکته با محققان و دانشمندان اسلامی موافقت نموده و اصول کلی متن دین ابراهیم علیه السلام را از قرآن استنباط کنند.

از آن جمله، دانشمند مشهور و محترم آلمان آقای **هانس کونگ** که در سمینار «سعادت از دیدگاه متفکران مسلمان و آلمانی» در انجمن حکمت و فلسفه اسلامی در تهران حضور داشتند،<sup>۱</sup> بیان می کردند که:

«محمد صلی الله علیه و آله پیغمبر بوده و به ایشان وحی شده است. نهایت امر، آن چه که وحی شده، معانی بوده و انتخاب الفاظ برای ارائه آن معانی، به اختیار خود او بوده است، نه این که خود همه الفاظ به او وحی شده باشد.»

از این جملات معلوم می شود که آقای **هانس کونگ** صدق و خلوص پیامبر اسلام را پذیرفته اند، و الا به مقام شامخ نبوت و شایستگی گیرندگی وحی نایل نمی شدند. در نتیجه، آقای هانس کونگ و کسانی که با ایشان هم عقیده اند، می توانند قرآن را به عنوان منبع متن دین ابراهیم علیه السلام تلقی نموده و دین کلی را از قرآن استخراج کنند، زیرا قرآن با صراحت کامل - چنان که در مباحث گذشته ذکر شد - دین اسلام را همان دین

۱- در تاریخ پنجشنبه ۱۶ اسفند ماه ۱۳۶۳.

ابراهیم علیه السلام معرفی می‌کند.

به نظر می‌رسد، با این‌که بنا بر مبنای آقای هانس کونگ، ما می‌توانیم از قرآن، متن دین کلی حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام را استنباط کنیم، ولی ممکن است یهودیان و مسیحیان این استنباط را نپذیرند. به همین جهت، در موقع سخنرانی اینجانب در سمینار، آقای هانس کونگ به عنوان سؤال گفتند: «بسیار خوب، دین ابراهیم خلیل متن دین کلی است، ولی از کجا و از کدامین منبع، آن را به دست بیاوریم و مورد عمل ادیان سه‌گانه قرار بدهیم؟»

از این سؤال معلوم شد که این دانشمند محترم در نظر ندارند که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را انسان راستگو بدانند، با این‌که پیامبری ایشان را پذیرفته‌اند!!  
به هر حال، اینجانب در پاسخ به آقای هانس کونگ چنین توضیح دادم:

«بیاید هر سه کتاب (قرآن و تورات و انجیل) را باز کنیم و همه آن مطالب را که از دیدگاه خرد و عقل سلیم و وجدان پاک می‌توان به عنوان دین به خدا نسبت داد، به عنوان متن دین ابراهیم بپذیریم.»

این پاسخ را همه اعضای سمینار - خصوصاً آقای هانس کونگ - با حالت شور و شغف پذیرفتند. اینجانب امیدوارم هر چه زودتر این کوشش لازم و حیاتی شروع شود و محققان و دانشمندان مخلص و مطلع هر سه دین بزرگ جهانی، به نتایج مطلوب - اگرچه در زمان‌های طولانی - برسند.

#### تأملی در نظریه هانس کونگ درباره وحی

آقای هانس کونگ در آن سمینار گفتند: برای پیامبر اسلام «وحی» شده است، ولی آن‌چه که وحی شده، معانی بوده و الفاظ را خود آن حضرت انتخاب فرموده است. ایشان به تفاوت میان سوره‌های مدنی و مکی اشاره کردند که در مباحث بعدی متذکر خواهیم شد.

بعضی از دوستان که در سمینار شرکت داشتند، این نظریه آقای هانس کونگ را پذیرفتند. من به دوستان گفتم: اگر مقصود شما این است که این نظریه یک گام بزرگی